



و انتخاب بازیکنان نهایی برای حضور در توکیو است. اتفاقی که در نهایت هم نیفتاد و چالش بزرگ او در روزهای پایانی تمرین تهران، انتخاب دوازده نفر نهایی بود. این چالش هم البته حاشیه‌های بسیاری را مانند ماجرای آمدن و خط خوردن فرهاد قائمی به راه انداخت که در آستانه‌ی المپیک صورت خوشی نداشت و آرامش تیم را تا حد زیادی برهم زد.

روند مناسبی که حس نشد

لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۲۱ در مجموع در شرایطی به عنوان اولین و تنها رویداد تدارکاتی تیم ایران برای المپیک برگزار شد که آن روند مورد انتظار توسط شاگردان آلکنو طی و دیده نشد. بسیاری کارشناسان و والیبال‌دوستان در ارزیابی لیگ ملت‌ها و عملکرد تیم ایران به این نتیجه نرسیدند که قدمی رو به جلو برداشته شده و با سرمربی تیم ملی به هدفی به غیر از میدان دادن به یک سری جوان رسیده باشد. جوان‌هایی که بخشی از آنها حتی به توکیو اعزام نشدند و باقی آنها هم بعید است زمان زیادی برای بازی در این رویداد در اختیار داشته باشند. به این ترتیب کار اصلی را در توکیو باز هم همان ستاره‌های همیشگی باید انجام دهند که لیگ ملت‌ها نه تنها به آماده شدنشان زیاد کمکی نکرد، بلکه از باختم‌های پیاپی و عدم توانایی در کسب پیروزی عصبی شدند و از لحاظ روحی به هم ریختند؛ بازیکنانی نظیر سعید معروف، محمد موسوی، میلاد عبادی‌پور و امیر غفور که بدنه‌ی اصلی تیم ایران را تشکیل می‌دهند و هیچ‌کدام در در لیگ ملت‌ها در شرایط آرمانی قرار نداشتند. با تمام اینها، هنوز خیلی‌ها امیدوارند که استراحت یک هفته‌ای پس از لیگ ملت‌ها و پس از آن حدود دو هفته تمرین در تهران و سپس سفر به توکیو، فشارهای لیگ ملت‌ها را از دوش والیبالیست‌ها بردارد و شرایطی را رقم بزند که آنها بتوانند با استفاده از تجربیات و کاستی‌های لیگ ملت‌ها، در توکیو با همان رقبای (به جز ونزوئلا) رقابت بهتری را انجام دهند و با نتیجه‌ای خوب راهی مرحله حذفی شوند.

لیگ ملت‌های ۲۰۲۱ و پانزده بازی تدارکاتی فرصت خوبی که حیف شد

جایگاه‌های هفتم، هشتم و حتی نهم، شاید دقیق‌ترین جایی باشد که می‌شود برای تیم ایران در میان بهترین‌های دنیا متصور بود. به همین خاطر هم شاید دوازدهم شدن ایران در لیگ ملت‌ها، تنها دو، سه پله از حقیقت تیم ایران پایین‌تر بود که آن را هم می‌شود به برخی مشکلات تیم اعزامی نظیر مصدومیت‌ها، تغییرات زیاد ترکیب و خستگی مربوط دانست.

چالش ترکیب و حاشیه‌ها در آستانه المپیک

تغییرهای متناوب آلکنو در لیگ ملت‌های والیبال هم مانند نتایجش، در ابتدا آزاردهنده نبود. تصور همه این بود که او در جست‌وجوی ترکیب مناسب

و کسب رتبه‌ی مناسب در این رقابت‌ها از دستور کار خارج شد و به همین خاطر تا هفته‌های پایانی رقابت‌ها، باخت به تیم‌هایی نظیر ژاپن و حتی استرالیا آنقدر آزاردهنده نبود. با این حال وقتی عملکرد تیم رفته رفته به جای بهتر شدن بدتر شد، باخت‌های سنگین به تیم‌های مختلف یکی پس از دیگری ثبت شد و نفرات اصلی ایران هم آنطور که باید و شاید بازی نکردند، خیلی‌ها نگران عملکرد تیم در المپیک شدند.

جایگاه واقعی تیم ملی

جایگاه ایران در رده‌بندی فدراسیون جهانی شاید خیلی به واقعیت این روزهای والیبلمان نزدیک باشد. قرار گرفتن در

تیم ملی والیبال در حالی برای حضور در دومین المپیکش آماده شد که شرایط خاصی را تجربه کرد. ملی‌پوشان والیبال تنها چند هفته پس از کار با مربی جدید خود یعنی ولادیمیر آلکنو در تهران، با ترکیبی تقریباً متفاوت راهی لیگ ملت‌های والیبال شدند.

تورنمنتی که تنها تدارک آنها برای حضور در المپیک به حساب می‌آمد و البته پانزده بازی در خود داشت که بازی‌هایی با کیفیت در برابر تیم‌های خوب دنیا بود. در مجموع حضور در لیگ ملت‌ها اگرچه یک تورنمنت هر ساله به حساب می‌آمد، اما در فاصله‌ی اندک باقیمانده تا المپیک، برگزاری این تعداد بازی تدارکاتی با کیفیت، اتفاق بسیار خوبی بود که امکانش برای بیشتر تیم‌های مطرح المپیکی فراهم شد.

لیگ ملت‌ها، هدف و نتیجه

پیش از لیگ ملت‌های والیبال عنوان شد که هدف از شرکت در این رقابت‌ها برای تیم ملی والیبال ایران، محک زدن جوان‌ترها و میدان دادن به بازیکنانی است که تجربه‌ی چندانی ندارند و همینطور آماده کردن تیم برای المپیک است. به این ترتیب نتیجه‌گیری

آخرین المپیک نسل طلایی؟

محبوبیت سال‌های اخیر والیبال، سوای برنامه‌های بلندمدت یزدانی خرم و داورزنی، مرهون حضور نسل باکیفیت و شاید بی‌همتایی است که سال‌های پایانی حضورشان را پشت سرمی‌گذارند. نسلی که البته تعدادی از نفرات خود را از دست داده‌اند، اما هنوز نفرات برجسته‌شان باقی مانده‌اند و پس از سی سالگی و در اوج پختگی، اسکلت اصلی تیم ملی را تشکیل می‌دهند. والیبال ایران در این سال‌ها همواره با سعید معروف، سید محمد موسوی، امیر غفور و شهرام محمودی شناخته شده است. هر چند که مهره‌های دیگری مانند ظریف، قائمی، مهدوی، زرینی و خیلی‌های دیگر هم بودند، اما نسلی که افتخار آفرینی را در سال‌های ابتدایی دهه‌ی نود آغاز کردند، همین افراد بودند. در سال‌های بعد، البته امثال عبادی‌پورها و میرزاجانیپورها آمدند و حالا هم که چهره‌های متعدد جوان در تیم ملی بازی می‌کنند، اما هنوز معنای تیم ملی برای بیشتر مردم، همین دو، سه چهره‌ی خاص هستند؛ بازمانده‌های نسل طلایی والیبال ایران که به اعتقاد خیلی‌ها شاید آخرین المپیک دوران بازیگری خود را قرار است پشت سر بگذارند. به همین خاطر هم است که همه‌ی چشم‌ها به توکیو دوخته شده و همه‌ی والیبالی‌ها امیدوارند که آن اتفاق تاریخی (هرچقدر بعید و دور از دسترس هم که به نظر برسد) در توکیو بیفتد تا پرونده‌ی این نسل مهم و شاید تکرارنشدنی، با یک اتفاق و موفقیت بزرگ در المپیک بسته شود.